

دورانہم نقلیہ

جلسہ ۱۵

صورت مشروح

# مذاکرہ مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

۳۱ اردیبهشت ۱۳۱۲ - ۲۶ محرم ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۵۵۹

قیمت اشغال { سالیانہ } داخلہ ۲۴ ریال  
خارجہ ۱۰۰ ریال  
تک شماره : دو ریال

مجلس مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۱۲ (۲۶ محرم ۱۳۵۲)

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس  
۲) اجازه تعقیب جزائی آقای حاج امین اصلهانی  
۳) بیه شور لایحه تنه بودجه کل مملکتی از ماده ۲۹  
۴) موقع جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل کردید)

صورت مجلس روز بیست و ششم اردیبهشت ماه را آقای مؤید احمدی (مقش) قرائت نمودند

### ۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - آقای عراقی

عراقی - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست

(اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

### ۲ - اجازه تعقیب جزائی آقای حاج امین اصلهانی بانهام رضاء

ولیر عدلیه (آقای داور) - شرحی به عنوان ریاست محترم

مجلس شورای ملی نوشته شده است از طرف بنده (از

طرف وزارت عدلیه) که این جا می خوانم و بکشور صبح

مختصری هم میدهم و باسابقه هم که آقایان در مجلس

تخصوصی پیدا کرده اند از موضوع اطمینان نمی کنم که

این مذاکرات مشروح پانزدهمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون اردیبهشت ۱۳۱۲)

دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

- غالبین بی اجازه - آقایان: جلدی - دکتر امیر امام - اساندهاری - مهرداد تابی - حبیبی - طباطبائی بروجرودی -  
پونسر - آقا وهاب زاده - مؤلف - قوام - ناصری - سگوند  
دیواندگان بی اجازه - آقایان: حاج میرزا حبیب انامین - احمدی - مرتضی طبیبان بیات - الهی - طهرانی - آقا رضا مهدوی -  
شریعت زاده - اطالی - مهدوی - محمد آقا مهدوی



موضوع برای اینکه ذهن آقایان روشن شده باشد در جلسه خصوصی عرض شده است و بنابراین بنده محتاج نیستم که این جا يك توضیحات بیشتری بدهم.

**رئیس** - برای اینکه این منظور به قالب عبارتی ریخته شود و ضرور بوده است که يك عبارتی که کاشف از اراده مجلس باشد تنظیم شود (وزیر عدلیه - عبارتی تنظیم شده و تقدیم می شود ملاحظه می فرمائید)

(تقدیم نمودند و بشرح ذیل قرائت شد):  
مجلس شورای ملی اجازه می دهد که حاج میرزا حبیب الله این را دولت مورد تعقیب جزائی قرارداده نتیجه را باستحضار مجلس برساند.

**رئیس** - پیشنهادی از آقای دکتر ادهم رسیده است قرائت می شود:

بنده پیشنهاد می کنم که این طور نوشته شود: در اول اجازه مجلس در تعقیب لایحه پیشنهادی دولت بنامه فلان راجع بتقاضای سلب مصونیت از ... بجه عبارت

**دکتر لقمان ادهم** - مقصود عرض این بود که این طوری که از طرف دولت پیشنهاد شده است از طرف مجلس عطف به آن بشود و در نتیجه آن چیز نوشته شود (صحیح است. خوبست)

**وزیر عدلیه** - بعفیده بنده در هر صورت این اجازه هم نوشته نشود باز کافی است برای اینکه این شرحی که دولت نوشته است بمجلس شورای ملی و اجازه خواسته شده و بنده این راهم این جا اول عرض می کنم و باز اگر چنانچه این عبارت را ببل دارند بپوشند اشکالی ندارد و آن این است که این جرمی که امروز دارند رشاء است ممکن است در تعقیب این جرم معلوم شود که کلاه برداری هم هست و بالاخره اگر این توضیح را هم لازم دارید بپوشید اگر در ضمن عمل کشف شود در ضمن رسیدگی جرم دیگری کشف شود ما تعقیب می کنیم حالا باین توضیحی که بنده دادم باز می بیند این ترتیب نوشته شود بپوشند و الا تصور میکنم اگر موافقت بفرمائید که همینطور نوشته شود کافی باشد

**رئیس** - آقای عراقی

**عراقی** - بنده تصور میکنم پیشنهاد آقای دکتر ادهم پیشنهاد خوبی نباشد برای اینکه اولاً عنوان لایحه نیست این يك کاغذی است که وزارت عدلیه نوشته است چون ایشان اشاره کردند بلایحه این لایحه نیست و کاغذ است. مقام محترم ریاست تصور کردند که باید يك عبارتی باشد که برای مجلس سزاوارتر باشد این عبارت را وزیر عدلیه تهیه کرده و داده اند اگر هر آینه این متناسب و مخصوص باشد يك جرم ممکن است چون در مجلس تصویب می شود اگر جرم دیگری کشف بشود تواند دولت آن جرم را دنبال کند این است که بنده خیال می کنم بهتر است آقای دکتر ادهم پیشنهادشان را منصرف بدارند و آن عبارت بهتر است. (صحیح است)

**وزیر عدلیه** - مسزرد کردند

**رئیس** - مسزرد کردید؟

**دکتر ادهم** - بل

**رئیس** - آقایان بکه اجازه میدهند بنده اراده مجلس را بطریقی که قرائت شد بدولت اعلام کنم بفرمائید (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۴ - بقیه شور لایحه منعم قانون بودجه کل مملکتی]  
**رئیس** - ماده ۲۹ از لایحه منعم قانون بودجه کل مملکتی مطرح است قرائت می شود:

ماده ۲۹ - از تاریخ تصویب این قانون مواد (۲۳) و (۲۴) و (۲۵) قانون محاسبات عمومی نسخ و به جای آن مواد ذیل برقرار میشود:

ماده ۲۳ - قراردادهای و معاملات دولتی اعم از خرید یا فروش با اجرت کار یا اجاره و استیجار و مقاطعه باید پس از مزایده و با منافسه صورت پذیرد وزارت مالیه مجاز است که بوسیله تدوین نظامنامه مخصوصی اصول و ترتیبات متحدالشکلی برای این گونه معاملات مقرر دارد و نیز در همان نظامنامه موارد خاصی را از ترتیب عمومی مزایده و منافسه مستثنی سازد و همچنین مجاز است که بعضی موارد مخصوص استثنائی که دلایل موجهی برای ضرورت ترك منافسه و مزایده موجود باشد و مبلغ معامله از پنجاه هزار ریال

تجاوز نکنند بدون رعایت اصول مزایده و منافسه اجرای معامله را اجازه دهد ولی هر گاه موضوع معامله این موارد اخیره از پنجاه هزار ریال متجاوز باشد تا صد هزار ریال به علاوه لزوم تصویب قبلی وزیر مالیه اجرای آن موقوف بموافقت هیئت وزراء خواهد بود.

ماده ۲۴ - در موارد مشروحه ذیل بطور کلی اعلان عمومی و اجرای مزایده و منافسه لازم نخواهد بود:

۱ - معاملاتیکه مستور بودن آنها بملاحظه صرفه و صلاح دولت ضرور باشد.

۲ - تهیه اشیائیکه منحصر بنوع خود محسوب و بدست صنعتگران مخصوص و با در کارخانه های مخصوصی تدارک می شود.

۳ - اموری بکه انجام آنها منوط بدانشن اطلاعات علمی یا صنعتی یا تخصصی باشد.

۴ - کارهایی که بعنوان آزمایش و امتحان میشود.

۵ - معاملاتیکه بدقت پیش بیاید و فوریت زیاد داشته باشد بطوریکه با مزایده یا منافسه موقع قوت شود. ولی این مورد اخیر مخصوص اموری خواهد بود که اعلان منافسه و مزایده قبلاً نسبت بآنها ممکن نبوده است و شامل مواردی نخواهد بود که متصدیان در اجرای منافسه و مزایده در موقع خود ناخبر کرده و نزدیک بقوت شدن موقع بخواهند عنوان قوت بآنها داده و از مزایده و منافسه معاف نمایند.

ماده ۲۵ - هر گاه معاملاتیکه با مزایده و منافسه گذاشته شده در مدت مقرر داوطلب پیدا نکنند و یا داوطلبان شرایطی پیشنهاد کنند که خارج از حدود اعتدال باشد و یا اینکه معامله محتاج و یا قابل مزایده و منافسه نباشد در این صورت دولت میتواند معامله را مطابق مقتضیات و صرفه و صلاح دولت انجام دهد.

**رئیس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - بنده حقیقه این مواد را جزو يك

نظامنامه میدانم و عقیده ام این است که هیئت دولت با وزارت مالیه بنویسند و این نظامنامه را اجرا کنند و الا ما سعادته نافع که در قانون محاسبات عمومی هست که از ۱۳۲۷ این قانون محاسبات عمومی تصویب شده است تا امروز در چند دوره قلبیه در ادارات دولتی به آنها عمل شده است. حالا این را البته بنده هم تصدیق میکنم که ممکن است در ضمن آزمایشها و امتحانها و تجربهها دیده اند که این مواد يك اشکالی دارد و می خواهند اصلاحش کنند البته این اشکالی ندارد و مجلس شورای ملی برای همین است و الا همه این قوانین ما که قوانین الهی نیست که قابل تغییر و تبدیل نباشد يك قانونی که می گذرانیم و عمل می شود به آن البته تغییری ندارد و بمجلس پیشنهاد می شود و التاء با اصلاح می شود. اما راجع به ماده از قانون محاسبات عمومی بعفیده بنده جای اصلاح آن در قانون منعم بودجه نیست باید دولت يك لایحه پیشنهاد کند که این ماده را از قانون محاسبات عمومی برمی داریم و این ماده را بجایش می گذاریم. ثانی بر آن اگر درست باشد ماده ۲۵ که جای آن ماده ۲۵ التاء شده و نسخ شده گذاشته شده توجه بفرمائید اختیار بدولت است اصلاً دیگر مزایده و منافسه معنی ندارد هر جا را صلاح دانست باشد مزایده بکنند هر جا را صلاح ندانست بهر کس می خواهد بدهد. بعفیده بنده گذاشتن این ماده و برداشتن این مواد از این جا چیز خوبی نیست بنده حاضریم که پیشنهاد کنم اینطور بنویسیم: این ماده را لتو کنیم از قانون محاسبات عمومی و اختیار بدهیم به هیئت دولت که يك نظامنامه برای مزایده و منافسه هیئت دولت بنویسند و در ادارات ملزومات وزارتخانهها بگذارند دیگر ما وارد این جزئیات نشویم. اینها عباراتی هستند که باید در نظامنامه های وزارتخانهها نوشته شود تا در قانون در کجا چه بکنیم و چه نکنیم و فلان مورد چه کار کنیم این عیناً عبارت نظامنامه است این است که آقای وزیر مالیه با آقای معاون که تشریف دارند یا آقای مخبر بنده عقیده ام این است که بانظر بنده موافقت بفرمائید که پانین سعادته را از این جا بردارند و يك لایحه دیگری پیشنهاد کنند که این سعادته لتو و بجایش آنها را



پیشنهاد می کنیم باینکه يك پیشنهادی بنده می کنم که این سه ماده از قانون محاسبات عمومی ملغی و بدون اجازه می دهیم که يك نظام نامه برای ترتیب مزایده و مناقصه بنویسند که معاملات دولتی باید بنطاقه و مزایده باشد لکن ترتیب مناقصه و مزایده و مواقع لزومش را هیئت دولت در نظام نامه خواهند نوشت باز اینطور بنویسند بهتر است چون باز این ترتیب بهتر است تا این که این قدر وارد در جزئیات بشویم با آن ترتیب اولی را قبول کنند و يك لایحه جداگانه بیاورند برای اینکار. و الا درست مخصوصاً ماده ۲۵ را ملاحظه و دقت فرمایند این ماده فایده ندارد با آن اختیاری که داده شده است بدون دیگر این قانون فایده ندارد.

#### مخیر کمیون بودجه (دکتر طاهری) - در قانون محاسبات

عمومی که از قوانین خوبی هست که دولت همیشه روی آن عمل می کند چند ماده است که راجع به مزایده و مناقصه است و همان مواد ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ است کلاً ترتیب مزایده و مناقصه از چیزهایی است که اصولاً نمی شود ازسبب صرف نظر کرد یعنی در قانون حذف کرد و باختیار دولت واگذار کرد باید در معاملات اگر برای خرید است بنطاقه بگذارند و اگر برای فروش است به مزایده ناسره دولت ملحوظ و محفوظ و منظور شود منتهی این است که در اجرای این سه ماده در عمل يك اشکالاتی ایجاد شده است که برای رفع آن اشکالات این سه ماده فعلی را بجای آن سه ماده دولت پیشنهاد کرده است فقط موضوع اینکه آقای مؤید احمدی فرمودند که این الفاء چند ماده از قانون محاسبات عمومی باید لایحه خاصی داشته باشد البته این عملی تر هم بود و اگر دولت این کار را کرده بود بهتر بود در کمیسیون هم مذاکره شد که این مواد دائمی را منتفی نیست که دولت ضمن قانون متمم بودجه بیاورد و باید تحت لوایح مخصوصی و جداگانه باشد ولی خوب از آن طرف هم يك مانع قانونی ندارد زیرا که در خیلی از مواد بودجه هم هست که سالهای سال مکرر می شود و مواد نافی که هست همینطور سال بعد هم نوشته می شود و جزو قانون

که آقای مؤید احمدی توجه داشته باشند که این همان ماده سابق است که بوده است که حالا هم همانطور که دولت دولت باز بوده است حالا هم باز باشد یعنی چاره هم غیر از آن ندارد اگر چیزی را بفرزاید و مناقصه بگذارند (طهرانچی - اگر عین همان است چرا تغییر دادند؟) اگر تفاوت نداشت که تغییرش نمی دادند فرقی نداشت اگر عین همان بود که عین آن را تغییر نمی دادند که بعد دومرغه همان را بنویسند. ماده جدید می گوید هرگاه معاملات بیکه بفرزاید و مناقصه گذاشته شده در مدت مقرر داوطلب پیدا کنند و با داوطلبان شرایطی پیشنهاد کنند که خارج از حدود اعتدال باشد و یا اینکه معامله محتاج و یا قابل مزایده و مناقصه باشد در این صورت دولت می تواند معامله را مطابق مقتضیات و صرفه و صلاح دولت انجام دهد. بنابر این این سه ماده را که اصلاح کرده است دولت بجای آن سه ماده مرادی هستند که در نتیجه تجربیات اصلاحش را محتاج شده اند حالا بعد اگر معایبی داشته باشد باز پیشنهاد می کنند حالا اینکه فرمودند نظام نامه بنویسند مقتضی نیست که قانون محاسبات را لغو کنند و بجایش نظام نامه بنویسند این است که بقیه بنده بهتر این است موافقت فرمایند که همینطور که نوشته شده و اصلاح شده تصویب شود.

#### رئیس - آقای طباطبائی دیا

طباطبائی دیا - بنده چنانچه در جلسه سابق هم عرض کردم اولاً عقیده ام این است که این مسئله مواد مربوط به قانون محاسبات عمومی و اصلاح آنها را ابتدا مناسب نبود که در قانون متمم بودجه دولت تقدیم مجلس شورای ملی بکنند اینها يك موادی است البته چنانچه عرض کردم قانون محاسبات عمومی يك موادی دارد که به مقتضیات يك روزی تصویب شده است و به مقتضیات امروز هم باید این مواد تغییر پیدا کند ولی در قانون متمم بودجه سه ماده را آوردن باین ترتیب که حقیقتاً بنظر بنده اصلاح شده صلاح نیست اینچنین بنده مناسب نمی دانم. اینچنین ماده ۲۳ قانون محاسبات عمومی فقط این بود: قراردادها و معاملات دولتی اعم از خرید با فروش با اجرت کار (اجرت کار در قانون سابق بوده حالا علاوه

شده است) یا اجاره و استیجار و مقاطعه باید پس از مزایده و یا مناقصه صورت پذیرد این ماده تا اینجایش همین قانون سابق است بعد در این ماده آمده اند و علاوه کرده اند: وزارت مالیه مجاز است که برسیله تدوین نظامنامه مخصوص اصول و ترتیبات متحدالشکلی برای اینگونه معاملات مقرر دارد. اساساً بنده عقیده ام این است که مسئله نظامنامه را در قانون اجازه دادن که دولت البته قانونی که از مجلس میگذرد برای اجرای آن قانون دولت حق دارد و باید يك نظامنامه بنویسد ولی در خود قانون اجازه دادن برای دولت که يك نظامنامه بنویسد و يك موادی را مقرر دارد بنده هیچ اعتراضی ندارم بلکه يك مضرابی دارد فعلاً که ما رأی می دهیم و اجازه می دهیم که دولت يك نظامنامه برای این مواد بنویسد مجهول است برای ما که دولت چه موادی برای اینکار خواهد نوشت و آن نظامنامه چه خواهد بود این صحیح و بعد علاوه میکنند در این ماده و می نویسند و نیز در همان نظامنامه موارد خاصی را از ترتیب عمومی مزایده و مناقصه مستثنی سازد. این هیچ صحیح نیست که بدون اجازه داده شود که يك قرارداد مخصوصی را استثناء کند حالا فرض فرمایند يك چند موردی را فرض کنید بر حسب همین تصریحی که اینها شده است دولت فرضاً مجاز است که صد و نود و نه مورد را نود و هشت مورد را شاید استثناء بخواهد بکند و فقط يك مورد باشد که با اصطلاح اصولیین این تخصیص اکثر میشود و صحیح نیست صد مورد را شما فرض فرمایند ۹۹ مورد را دولت بر حسب همین ماده میتواند استثناء کند فقط يك مورد برای عمل مینماید. اگر يك وقتی هم اعتراض شد دولت جواب قانونی دارد که از مجلس قانونی گذشته است و اجازه داده اند که از این مواد بر حسب نظامنامه يك موارد خاصی را استثناء کنند اینهم يك اشکال بنده بود و خواستم عرض کنم که این اصلاحی که این جا شده است یعنی مربوط به نظامنامه عقیده بنده این است که اگر حذف بشود بهتر است و يك اصلاحات دیگری اگر آقای وزیر مالیه در نظر دارند راجع باین ماده فرمایند. چیز دیگر. در قانون سابق يك عبارتی بود که بنده منتظر بودم آقای وزیر مالیه



اصلاً آن عبارت را حذف بکنند ولی عیناً آن عبارت باز در اینجا هست: ماده ۲۴ در موارد مشروطه ذیل بطور کلی اعلان عمومی و اجرای مزایده و مناقصه لازم نخواهد بود: ۱ - معاملات بیکه مستور بودن آنها ملاحظه صرفه و صلاح دولت ضروری باشد این قسمت اول در ماده سابق قانون محاسبات عمومی هم هست ولی در يك روزی این ماده تصویب شده و يك مقنناتی داشته ولی امروز بمحمدالله در دوره باعظمت سلطنت بهلوی آن ملاحظات را ما نداریم مثلاً در سابق اگر دولت میخواست راه آهن را بخرید یا مناقصه بگذارد ممکن بود يك کیانی را که دولت در نظر داشت که با آن کیانی آن قرار داد را به بندد يك کیانی دیگری می آمد و ممرض میشد و بدولت میگفت چیه اینکه با آن کیانی داده اند چیست و با آن کیانی نداده اند چیست؟ دولت هم در محظور بود این است که این ماده را در آن موقع گذرانده اند که اگر چیزی را دولت گفت مستور بودنش صلاح است آن دیگر اعلان مزایده و مناقصه لازم ندارد ولی در دوره امروز که دولت بمحمدالله ملاحظاتی ندارد مثلاً راجع راه آهن هر کیانی را که صلاح میدانند نسبت باو يك قرار دادی می بندد و میدهد و کیانی دیگر هم حق اعتراض ندارد بنده گذاشتن این مواد را در اینجا مضر میدانم و هیچ عقیده ندارم بعد هم راجع فوریت این جا يك چیزی دارد که معاملاتی که پیش می آید و فوریت زیاد داشته باشد آنرا هم باز دولت حق دارد اعلان مزایده و مناقصه ندهد ولی این خیلی عمومی و مطلق است و هر چیزی را میتوان گفت فوریت دارد و بنده عقیده ندارم در قانون ما این قبیل مطالب را که حقیقتاً ممکن است راجع معاملات دولتی و مملکتی يك ضرر هائی داشته باشد در قانون پیش بینی کنیم این است که بنده عقیده ام این است که اگر ممکن است اصلاح همین مواد قانون محاسبات عمومی را پس بگیرند بعد يك مواد دیگری پیشنهاد کنند و الا با این ترتیب بنده عقیده ام

گذار تبعم کند در صحرا و صحرا هم از زمرد است اما این اتفاق نادر است نادر که سهل است بلکه نزدیک بمحال است آخر زمین و صحرا که تمام زمرد میشود باین فرض محال که نباید استدلال کرد میفرمایند مستثنی از مستثنی منه بیشتر است یا مخصوص از عام هم اعم است یا زیاد تر است از این اصطلاحات ولی چطور میشود ما خیال داشته باشیم که يك اجازه از مجلس بگیریم که همه چیز تابع مزایده باشد باستثنای فلان قلم بعد برویم در خارج يك نظامنامه بنویسیم که باستثناء قلم و دوات و کاغذ و اوزان التحریر و مصالح ساختمانی و فلان و فلان غیر آن مفسود ما این نیست که کول زده باشیم مردم و ملت و مملکت را همچو چیزی امکان ندارد این برای این نوشته شده است که در عمل موجب اشکالاتی شده بود و دیدیم پیشرفت ندارد پیشنهاد کردیم. اما اینکه اشاره بمستور شدن فرمودند عرض میکنم يك دولتی که حق دارد عهدنامه های مخفی مطابق قانون اساسی بنویسد و اگر اقتضا کرد بمجلس شورای ملی بیاورد و بعد بباید و سپس را بگوید آنوقت آیا يك کسی که آمده است و يك چیزی را هزار تومان میدهد بعد هم اگر فاش شود و همکارهایش ملغف شوند ده هزار تومانهم نخواهد داد و با ده هزار تومان هم گیران نخواهد آمد منحصر هم هست با او معامله نکنند؟ پس دولت مصلحت مملکت را اینطور دانسته که این کار را زودتر انجام بدهد خوب اگر فاش شود که میروند و تباخی میکنند و بضرر دولت تمام میشود پس باید محرمانه باشد چیز خریدن هم چیزی نیست که باسناد مملکت صدمه وارد بیاورد فرض بفرمائید دولت اشتباه کرده و صد تومان هم ضررش شده و اگر اینکار را نمیکرد شاید ده هزار تومان ضرر وارد میشد لهذا این کار را بعد از مطالعات کامل میکنیم و مخصوصاً صادقانه به آقایان عرض میکنم که این کار نهایت تک و مساعدت را میکند و تسهیلات میکند در امور رزانهائی که مشترکاً در اینکار علاقه مندند و تمام شکایت میکنند و اسباب زحمت است و اگر تصویب نشود باین ترتیب نه اینست که تنها اسباب زحمت میشود

بلکه مبالغ کلی هم بضرر دولت تمام میشود تجربه کرده ایم بنده خودم مخصوصاً سعی کامل کردم در این قسمت و دیدیم مبالغ کلی بضرر دولت تمام میشود اما اینکه مربوط بقانون محاسبات عمومی است امروز هم عرض کردم که مجلس میتواند قانون را تغییر بدهد فرمودند این در قانون سابق هم بوده اگر در قانون سابق نبوده است ایراد وارد بوده اگر بوده است که نباید ایراد شود این حسن این است که در قانون سابق هم بوده امروز هم اینجا عرض کردم ما قانون محاسبات عمومی را تغییر نمیدهیم قانون محاسبات عمومی از قوانین عمده مملکت است ولی اگر در بعضی از جزئیات آن ملاحظاتی پیش بیاید که با تجربه و عمل پیش آمده خیلی بهتر است که اینطور عمل شود تا اگر واقعاً صحیح درآمد و ده ماده هم شد ما آن ده ماده را ضمیمه قانون محاسبات عمومی میکنیم و عمل میکنیم و اگر نشد همان را تعقیب میکنیم چنانکه در همین قانون منم بودجه هم هر سال هست. اما راجع بمزایده در بعضی امور این مربوط بقانون محاسبات عمومی است در قانون منم بودجه هم هست همانطور که امروز در کمیسیون بودجه هم عرض کردم با اصطلاح وقتی که از غل درآمد و مسلم شد که باید قانون دائمی بشود نه یکساله آنوقت اینها را بیرون می آوریم امروز هم به آقایان عرض کردم و وعده کردم که اینها را جزء قانون محاسبات عمومی میکنیم ولی حالا يك قانون محاسبات عمومی با اصلاح قانون محاسبات عمومی را به مجلس آوردن کار عمده است زیرا اولاً يك مطالعه فوق العاده میخواهد و کمیسیون هم يك وقت مندی میخواهد و این کار زمین میخواهد چنانکه عرض کردم خیلی هم این کار لازم است و از آقایان نمى دارم موافقت بفرمائید زیرا این کاری نیست که دولت يك اختیاری بگیرد و آن اختیار را سوء استعمال کند دولت همیشه میتواند برای قانون نظامنامه بنویسد و نظامنامه هم همیشه باید در حدود مقررات قانون باشد و بروح و مفهوم قانون خلی وارد نیارود نمیشود گفت که ما اجازه بدهید که همه امور را بخرید و مناقصه بگذاریم بعد يك نظامنامه بنویسیم که از صد



فانود و همت نای آنرا منها کنیم این باروح قانون مخالف است و این را نخواهیم نوشت

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - عرضی ندارم.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرضی ندارم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

الرئیس - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم.

رئیس - بفرمائید

الرئیس - مذاکراتی را که آقای وزیر مالیه فرمودند کافی برای مقصود خودشان نیست باین جهت بنده خواستم يك توضیحاتی را از ایشان بخواهم حالا اگر اجازه بفرمائید عرض کنم والاخر (بعضی از نمایندگان - بفرمائید) یکی از عرایض من راجع به قسمت ۵ است نوشته است «معاملاتی که بفته پیش نیاید و قوریت زیاد داشته باشد بطوری که با مزایده یا مناقصه موقع فوت شود ولی این مورد اخیر مخصوص اموری خواهد بود که اعلان مناقصه و مزایده قبل از نسبت بانها ممکن نبوده است و شامل مواردی نخواهد بود که منتهیان در اجرای مناقصه و مزایده در موقع خود تاخیر کرده و نزدیک بقوت شدن موقع بخواهند عنوان فوت بانها داده و از مزایده و مناقصه معاف نمایند» در این مورد مقصود البته همین بوده است که اگر موقعی فوت میشود بمنافسه و مزایده احتیاج ندارد این حرفی است حسابی و منطقی ولی اگر تصور کرده باشند اینجا جایش نیست برای اینکه چند موقع فوری و فوری بوده است آمده اند و موقع را کم کرده اند و موجب آنرا کم کرده اند علی ای حال این فوری که برای وزارت مالیه لازم است ممکن است اگر اینها تعالی کرده باشند مجازاتشان کنند بنده عرضی ندارم ولی فوری که مقصود بنده است دیگر بدست نخواهد آمد چون ممکن است بر حسب اشتباه یا عمد یا غلط یا خیانت یا هر چه اسمش را بگذارید آنها این قسمت را انجام ندهند ولی امروز که فوت شده است مجازات آنها تأثیری در این قسمت

و مزایده بگذارد و ارزانی را قبول کند برای اینکه از مقدار مبلغ کم میگذازد از مقدار چوب کم میکند و این اسباب ضرر و اشکال است اما آن مسئله که فرمودند فوت میشود صحیح است ولی بنده عرض میکنم نباید گذاشت فوت شود حالا اگر چنانچه در يك موردی آمد فوت شد این از امور مهمه مملکتی که نیست برای اینکه این کار از برای تجربه است خوب وقتی که در قانون سابق اینطور بود مخصوصاً ما نوشتیم که اگر يك چیز فوری باشد (چطور فوری را تشخیص میدهیم) مینویسیم که تا پنج هزار تومان فلان. اگر يك اتفاقی پیدا شد راجع بمزایده و مناقصه و اینها اگر همچو موردی بود هر کس میگوید که فوری باید این کار را انجام داد و البته هیچکس در هیچوقت نمیکذازد کارش فوت شود بموقعش میباید مناقصه و مزایده میکند و همیشه هم برای مناقصه و مزایده وقت است برای اینکه لازم نیست برای مناقصه پنجاه روز وقت بدهد در شهری مثل طهران يك مناقصه که میخواهند بدهند سه روز وقت بدهند کافی است و همه هم ملتفت میشوند ما این را تجربه کرده ایم درست است یکی دو تا فوت میشود ولی این يك وقتی است که اگر آن کار فوت شود يك نفیسی از دست برود یا ضرری متوجه شود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقایانی که با ماده بیست و نهم موافقت دارند

قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده سی ام

ماده ۳۰ - عایدات راه آهن و کشتی رانی آذربایجان در هذمه السنه کماکان برای مصارف مربوطه بخود راه آهن و کشتی رانی مزبور اختصاص داده میشود و دولت مکلف است با رعایت ماده (۲۳) همین قانون اقلاصدی سی از عایدات مزبور را برای اصلاحات اساسی راه آهن و کشتی رانی مزبور ذخیره نموده و در حین اقتضای فقط بهمان مصرف برساند.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده در این ماده هیچ قسم مخالفی ندارم فقط يك کلمه توضیح میخواهم عرض بکنم در ماده ۲۳ این عبارت را دارد: و نیز مبلغ صد و سی هزار و چیزی بالاتر و آن بابك بلیون و فلان قدر و این که بر حسب ضرورت در ماههای آخر سال ۱۳۱۶ از محل مالیات راه (سهم طرق) بداره راه آهن آذربایجان جهت خرید الموارق مرصه داده شده است تصویب و اجازه داده میشود که معادل آنرا وزارت مالیه مستقیماً در صورت امکان از محل بودجه ۱۳۱۲ اداره مذکوره والا در سال ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ بمایهات مالیات راه (سهم طرق) مسترد نماید. این ماده ۲۳ است در ماده سی میگوید: عایدات راه آهن و کشتی رانی آذربایجان در هذمه السنه کماکان برای مصارف مربوطه بخود راه آهن و کشتی رانی مزبور اختصاص داده میشود و دولت مکلف است با رعایت ماده ۲۳ یعنی همین صد و سی هزار تومانی که باو فرض داده شده است آنرا از عایدات مستهلک کند و این قرض را پردازد و از همین عایدات آن صد و سی هزار تومان باید داده شود و بعد از پرداخت آن صد و سی هزار تومان صدی سی از عایدات را کنار بگذارد برای اصلاحات اساسی راه آهن و کشتی رانی (ذخیره نموده و در حین اقتضای فقط بهمان مصرف برساند) میخواهم عرض کنم این عایدات در این دو سالی که در ماده ۲۳ ذکر شده (چون در ماده ۲۳ دو سال ذکر شده است ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳) آیا این عایدات یعنی صدی هفتاد که صدی سی اس را اینجا منها بفرمائید آیا این عایدات که صدی هفتاد است آنوقت در دو سال صد و سی هزار تومان قرضه او را اصلاح و منقعه که مقدارش زیادتیر میشود مستهلک میکند یا نمیکند؟ این یکی ثانیاً اگر چنانچه فرض داشته خود آن قرض برای اصلاحات همین کشتی رانی و راه آهن است صدی سی را چرا ذخیره کنید؟ قرضشان را بدهند چون آن قرض برای مصارف همین راه و کشتی رانی صرف شده است قرضشان را در دو سال بدهند اگر مستهلک نمیشود صدی صد قرضشان بدهند که در این دو سال مستهلک شود یعنی در اول سنه



۱۳۱۴ دیگر فرض نباشد این توضیح را میخوام و الا در اساس ماده مخالفتی ندارم.

**وزیر مالیه** - این عایداتی که در مقابل مخارج معینی داده میشود مثل طرف و راه آهن آذربایجان این غالباً کافی است یا نیست یا هیچ ندارد کاری ندارم چون گفته اند عایدات طرق اگر ده میلیون بشود ده میلیون را راه میسازند اگر یک میلیون بشود یک میلیون را راه میسازند راه آهن هم همینطور و این راه آهن آذربایجان بعضی سالهاست که عایداتش خوب است ولی بعضی سالها است که کم هم دارند علاوه بر مخارج اداری که البته یک حد اقلی بودجه اداری دارند آن هم بسته بوضعیتی است که در کار باشد مثل اینکه در سال ۱۳۰۹ که بنده متصدی این کار بودم و عایداتش کافی نبود صد و پنجاه هزار تومان از بانک ملی اعتبار گرفتیم و اقداماتی کردیم که تقریباً نصف مخارج را حذف کردیم و تا سه ماه چهار ماه این قرض را دادیم و بعد هم صاحب سرمایه شدند. اینجا اینکه بخودش واگذار کردند برای این نیست که متصل حقوق بمردم بدهند و دیگر خرج خود راه آهن نکنند عایدات هر کارخانه تنها برای این نیست که تمام را صرف مخارج اداری کارخانه بکنند بعد از چند سال ماشینها خراب میشود و عمارات ضایع میشود پولی ندارند بسازند این است که در کارخانهجات و مؤسسات و شرکتهای پیشه‌صده ده‌صده بیست آنرا کنار میگذارند برای اینکه دائماً نو کنند و نازک کنند و باصطلاح اصلاحات اساسی بعمل بیآورند در این جا بعضی اوقات در گذشته غفلت شده است و بنده مخصوصاً این را در این جا گذاشتم زیرا بارسال در ضمن بودجه نوشته شده بود و تمام عایدات را در مقابل بودجه گذاشته بودند آنوقت معلوم شد خرید لوکوموتیو که صدوسی و یکهزار دلار بوده اصلاً فراموش شده است و برای آن باید از یک جای دیگر پول پیدا کرد این است که بنده گفتم که اولین چیزی که لازم است همان اصلاحات اساسی است که

خریدن لوکوموتیو و واگون و تراورسها و ریل هابند بعد برای مخارج اداری پس صدی صد را نباید خرج کرد این است که اینجا گفتیم که اول قرضش را بدهد و بعد از آن هر چه میماند صدی هفتادش را برای مخارج جاری اعتبار دارند و میتوانند خرج کنند و صدی سی آنرا برای اصلاحات اساسی خرج کنند. ولی از آنجائی که عایدات راه آهن آذربایجان خیلی مرتب و منظم نیست و بسته بتجارتی است که میان جلفا و تبریز جریان دارد گاهی خوف این است که کم بشود و گاهی زیاد این است که بودجه اداری را بیک حدی که پائین تر نمیشود آورده‌ام لذا اجازه گرفته‌ام در ماده ۲۳ که اگر عوائد کافی نشد و ممکن نشد همه قرض اساسی داده شود نصفش را امسال و نصفش را در سال ۱۳۱۳ بدهند و البته خواهید دید اگر شد همه را در یکسال رد میکنیم و اگر نشد یک راه مساعدتی برای آنها باقی است و آن این است که در سال بعد رد کنند.

**رئیس - آقای دیبا**

**طباطبائی دیبا** - بنده عقیده‌ام این است البته عقیده تمام آقایان هم این است که مورد تذکر نمایندگان مجلس نسبت ببودجه موقعی است که بودجه‌های تصبیلی مملکت در مجلس مطرح میشود فعلاً که بودجه‌های تفصیلی در کمیسیون بودجه تصویب میشود موردی برای مذاکره بهتر از این قانون بودجه نیست. راجع برآه آهن بنده یک تذکراتی داشتم که خواستم به آقای وزیر مالیه عرض کنم بطوری که آقای وزیر مالیه فرمودند دولت البته در نظر دارد یک اصلاحاتی راجع برآه آهن آذربایجان بکند ولی راه آهن آذربایجان چنانکه خاطر آقایان نمایندگان مسبوق است میلیونها خرجش شده از مدتی باینطرف که واگذار بدولت شده است ولی هیچ اصلاحات اساسی راجع برآه آهن است بی نهایت بطی السیر است این راه آهن مثلاً از تبریز تا جلفا تا سرحد روسیه که چند فرسخ بیشتر نیست این در چندین ساعت حرکت میکند در بین راه هم متصل باید بایستد عیب دیگری که هست حالا بنده نمیدانم ترتیبش چیست

سابقاً این راه آهن باهیزم حرکت میکرد یعنی هیزم را میسوزاندند و راه آهن حرکت میکرد راه آهن باهیزم هیچ چیز خوبی نیست بالاخره هیزم اطراف تبریز راه هم تمام کرد برای اینکه در هر هفته چندین خروار هیزم باید بخرند و مصرف کنند بعد بنده شنیدم که زغال سنگ هم مصرف میشود حالا که آقای رئیس کل صناعت هم هستند خواستم توضیح بدهم که فعلاً هم باهیزم حرکت میکند یا با زغال سنگ؟ چون میگویند زغال سنگ نیست و اگر هم هست خوب نیست و در دوره گذشته امتیازی داده شد باقی عدل خواستم آقای رئیس کل صناعت یک توضیحی بدهند که به بینم آیا این معدن زغال سنگ که امتیازش داده شده است یک کارهایی در آنجا کرده‌اند و زغال سنگ از آنجا بیرون آمده است یا نه؟ و باوضهیت امروزه باز با زغال حرکت میکند یا هیزم ولی اساساً این راه آهن را با این مخارج که فقط عایدات آن هر ساله مصرف خودش برسد بنده عقیده‌ام این است که روز بروز تحلیل میرود و روز بروز بدتر از سابق میشود و هیچ فایده ندارد دولت باید یک مبلغ کافی در نظر بگیرد که این راه آهن را اصلاح کند سابق بر این راه آهن اطاقهای خوبی داشت لوکوموتیوهای خوبی داشت حالا خراب شده است و با این ترتیب بعقیده بنده هیچ فایده ندارد و باید دولت یک مبلغ کافی خرج بکند و این را اصلاح بکند.

**رئیس کل صناعت** - راجع به قسمت معادن آذربایجان

که سؤال فرمودند البته صاحب امتیاز یک اقداماتی کرده است ولی برای استحضار آقا باید عرض کنم که کار معدن باین سهولت و این سرعت نیست اول باید یک عملیات نقشه برداری و تپوگرافیک بکنند بعد زغالهایش را تجزیه کنند و به بینند کدام نقطه معدنش بهتر است و زغالش بهتر است تا آنوقت معدنی که قابل است استخراج کنند. اقدامات بدوی را صاحب امتیاز کرده است دولت هم نظارت خواهد کرد که بر طبق امتیازنامه عمل شود و راجع به راه آهن اگر چه آقای وزیر طرق تشریف

ندارند ولی بنده بطور اجمال آنچه که اطلاع دارم عرض میکنم. اقدامات زیادی راجع به راه آهن آذربایجان شده مقدار زیادی هم تراورس خریده شده است سایر قسمت‌های دیگر را هم البته اقدامات برای اصلاحش خواهند کرد و سوخت فعلی آنچه‌ام بافت است باهیزم و زغال نیست چون زغال سنگ آنجا ماده کوک‌دیش زیاد است ماده کوک‌دیش برای ماشین که باصطلاح فنی سوفر میگویند خیلی ضرر است و اخیراً هم اداره صناعت یک میسیون معین کرده است که تا چند روز دیگر خواهند رفت که تمام نقاط آذربایجان را از نظر زغال سنگ و از نقطه نظر تأسیس کارخانه تقطیر کنند البته نتیجه مطالعات آنها هم بمرض آقایان خواهد رسید و مرور تکمیل خواهد شد.

جسی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس - رأی میگیریم بماده سی‌ام موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سی و یکم قرائت میشود ماده ۳۱ - وزارت مالیه مجاز است در مواردیکه بجای یکی از مستخدمین خارجی گمرک مستخدم ایرانی انتخاب یا شغل او را متکفل شود حقوق مستخدم ایرانی را به علاوه مبلغی فوق العاده به تشخیص وزارت مالیه از اعتبار حقوق و فوق العاده مستخدم خارجی تلف او که موقتاً یا دائماً محل او خالی شده است تأدیه نماید

رئیس - اشکالی نیست (گفته شد - خیر) موافقت با ماده سی و یکم قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده سی و دوم قرائت میشود ماده ۳۲ - وزارت مالیه مجاز است بقیه مخارج طبع و نشر اسکناس و تکمیل ضرایح آنرا و همچنین کلیه مخارج دیگر مذکوره در قانون مصوب ۲۷ بهمن ماه ۱۳۰۹ و قانون مصوب ۲۵ مرداد ماه ۱۳۱۱ و ماده ۴ منضم قانون بودجه ۱۳۱۱ را از محل اعتباریکه در دو قانون مذکور در فوق منظور است تأدیه و آنچه را که تا بحال از آن محل مصرف



رسیده بخرج قطعی منظور دارد.

رئیس - آقای امیر نودور

امیر تیمور کلالی - مخارج تکمیل ضرابخانه را

در بودجه هم معلوم فرموده بودند که تا حالا چه مبلغ شده است مینویسد بطور کلی از باب منافع وجوه ذخیره مملکتی آقای وزیر مالیه سابقاً اجازه قانونی حاصل کردند که منافع آنرا بهصرف ضرابخانه برسانند معلوم نیست که این جریان تاکی طول خواهد کشید و تا چه مدت دیگر ضرابخانه از هر جهت تکمیل میشود که ما محتاج بمخارج دیگری باشیم بعلاوه مخارج دیگری که تا بحال منظور شده بطور تخمینی چه مبلغ است؟

وزیر مالیه - آقا مسبقاً در منعم قانون بودجه

۳۰۹ نوشته شد که از فرع وجوه وغیره ۲۲۰ هزار لیره تخصیص داده شود برای خرید ماشینهای ضرابخانه و تکمیل ضرابخانه و ساختمان و اموری که مربوط بآن است و همچنین طبع اسکناس جدید و بعد برای اینکه اسکناس محتاج بمخارج زیادی شد و خرید ماشین آلات هم با لیره بود يك مبلغ دیگری گذرانیدیم و بمبلغ اولیه افزودیم که در حدود سیصد هزار لیره شد ولی از آن محل این مبلغ عاید نشد و يك قسمت کمی باقی ماند و این اعتباری که از طرف مجلس داده شد بدست نیامد بواسطه اینکه آنوقت پول صدی پنج صدی چهار در فرنگستان فرع می آورد حالا صدی يك هم در بعضی جاها در نمایاد حد اکثرش صدی يك و نیم است از این جهت خیلی بگانی برای منظور ما يك مبلغی حاصل میشود و این مبلغ هم برای تکمیل اینکار مصرف میشود همین جهت هنوز تمام این ماشینها نیامده شاید نصف یا نصف بیشترش باقی است که باید برسد و باید پول بدهیم و بعضی از ماشینهای ضرابخانه مثل ماشین ذوب طلا و ضرب طلا هنوز در راه است و فسخش داده نشده است که باید داده شود و بعضی بنا ها هم هست که تمام نشده و باید تمام شود برای خود مخارج اداری ضرابخانه در

بودجه مملکتی منظور میشود ولی این برای مخارج اداری نیست و برای همان مخارجی است که در قانون اشاره شده است یعنی تکمیل بناهای ضرابخانه و ماشینخانه و ماشینها و طبع اسکناس.

رئیس - آقایانی که با ماده ۳۲ موافقت دارند قیام فرمایند

( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد ماده سی و سوم نزد همه آقایان هست خود آقایان مراجعه میفرمایند. آقای مؤید احمدی علی پور احمدی - ماده ۳۳ راجع بحق التعلیم مدارس است بنده خیلی خوشوقتم که آقای معارف تشریف آوردند که بعضی توضیحاتی که میخواستم ایشان بدهند بده ماده سی و سه را از اول میخوانم:

ماده ۲۴ - از اول سال ۱۳۱۲ پرداخت حق التدریس در مدارس ابتدائی موقوف خواهد شد در باره معلمین مدارس متوسطه که دارای رتبه رسمی هستند و علاوه بر حقوق رتبه حق التدریس میگردانند از ابتدای سال ۱۳۱۲ بجای حقوق رتبه و حق التدریس فقط يك حقوق به عنوان حق التعلیم برقرار خواهد شد حق التعلیم مذکور شامل تمام معلمین مدارس متوسطه از مستخدمین رسمی و کنترانی میباشد و دارای حد اقل و اکثر به ترتیب ذیل خواهد بود:

حد اقل بر ریال	حد اکثر بر ریال
۶۸۰	۱۸۰۰
۹۲۰	۲۸۰۰
۱۸۰۰	۴۲۰۰

معلمینی که حق التعلیم اخذ میکنند مکلف خواهند بود در تمام ساعات روزانه مدارس در مدارس متوسطه تدریس نموده و یا حاضر خدمت باشند

پرداخت حقوق زیاد بر حد اقل به تشخیص وزارت معارف بعمل نمیی داده میشود که ابراز لیاقت نموده و یا ساعات فوق العاده تدریس اشتغال داشته یا خدمات اضافی معتمدی از قبیل امتحانات و امثال آن و خدمات دیگر مربوط به مدارس

که با تها رجوع نمود انجام داده و یابالخاصه سابقه خدمت در امر تعلیم داشته باشند

بنده يك نظرم این بود که اولاً توضیحی بفرمایند که این با سابق چه فرق کرده . موضوع دوم سؤال بنده این بود که راجع به مدارس ابتدائی چه تصمیم گرفته اند چون اینها راجع به مدارس متوسطه است کلاسهای ابتدائی را از کلاس اول تا کلاس ششم چه تصمیم گرفته اند راجع به معلمین این را در این موقع بنده لازم میدانم تذکر بدهم که بعضی از معلمین مدارس ابتدائی حقوقشان خیلی کم است معلی را که ما ماهی بیست و هفت تومان حقوق باو بدهیم او معلم نخواهد شد البته يك اشخاصی که دارای معلومات خوبی هستند یا ماهی بیست و هفت تومان نمیبایند معلم بشوند پس لابد میشوند اشخاصیکه کلاس شش را تمام کرده اند یا اینکه در کلاس هفت و هشت مشغولند اینها را بیآورند در کلاسهای ابتدائی و معلم بکنند و این چیز خوبی نیست بعقیده بنده باید حقوق کافی داد و معلم خوب گرفت عد اینها را کم کنید یا هر ترتیبی که میخواهید بکنید مقصود این است که معلم بیست و هفت تومان نتیجه خوبی نخواهد داد اینها را خوب است توضیح بفرمایند . عرض دیگرم این است که میخواهم از موقع استفاده بکنم و تذکری راجع به معارف کرمان عرض کنم معارف کرمان مخصوصاً مدرسه متوسطه اش يك نواقصی دارد که آقای مترجم همایون که رئیس مدرسه هستند خودشان نواقصش را نوشته اند بوزارت معارف در سال گذشته گفتند امسال گذشته بعد اصلاح میکنیم یعنی گفتند چون امسال بواسطه احتیاجاتی که در پیش داریم و صرف جا های دیگری شده در ۱۳۱۲ اصلاح میکنیم البته میدانید وقتی که يك مدرسه ناقص شد دیگر فایده ندارد خوب است این نواقص را امسال در نظر بگیرید و رفع کنند . يك موضوع دیگر عرض بنده این است که يك کلاسهای اکبری در این شهر باز میشود و درس میدادند از شاگردان دارالمعلمین و سیاسی فرض فرمایند شبها در منزلشان کلاس باز میکردند و شاگردهای

کلاس متوسطه میرفتند بآنجا و دروس مدرسه را در آنجا تمام میکردند حالا از طرف وزارت معارف قدغن شده که این کلاسهای درس اختصاصی موقوف بسته شود چرا؟ این يك کمکی بود به تحصیل که در آن کلاسه درسهایشانرا تهیه میکردند علت چیست که وزارت معارف از آنها جلوگیری کرده . يك موضوع دیگر راجع بکتاب است از کسانی که میخواهند کتاب وارد کنند تصدیق صدور و آن ترتیبی که در قانون تجارت است میخواهند خوب است يك فکری برای این کار بکنید زیرا کتاب محتاج الیه عموم است و همه بکتاب احتیاج دارند تجارت که تهیه خواهند بکنند تا تصدیق صدور بفرستند این بود عرایض بنده .

آقای میرزا غلامحسین بنیان دهنما ( معارف وزارت

معارف ) - فرمایند که آقای مؤید احمدی فرمودند چند موضوع بود قسمت اول راجع به مدارس ابتدائی بود که میفرمایند چرا مستخدمین رسمی حق تدریس نخواهند داشت اولاً چون عده مستخدمین رسمی که در مدارس ابتدائی تدریس میکنند محدود است و زیاد نیست کتاب میکنم بیست و دوسه نفر بیشتر نیست و قرار شده با وزارت مالیه توافق نظر حاصل شده است که با آنها ترفیع داده شود چون حق التدریسشان یکی دو تومان بیشتر نبوده است و این کار باین ترتیب انجام مینماید و لایاهم مستخدمین رسمی که حق التدریس داشته باشند ندارند راجع به مدارس متوسطه هم عرض کنم سابقاً اینطور معلوم بود که بعضی مستخدمین رسمی حقوق رتبه خودشان را میگردانند و يك مبلغی هم بعنوان حق التدریس میگردانند که این مبلغ حق التدریس نه ماهه با آنها داده میشد بطوریکه در لیست و بودجه برای کارکنان وزارت مالیه امیاب زحمت میشد و گاهی هم اشکال پیدا میشد چنانکه در سال گذشته مابین وزارت مالیه و وزارت معارف پنج شش ماه مذاکرات جریان داشت بالاخره با وزارت مالیه موافقت نظر حاصل شد که حق التدریس را با حقوق کلیه که در مدارس متوسطه به معلم داده میشد میتوان حق التعلیم داده شود میزانش هم



همان است که سابقاً داده میشده و حالا هم بهمان میزان و قبایس داده میشود متنها اسم حقوق مدارس متوسطه حق التعلیم خواهد بود نسبت به مستخدمین رسمی البته برای اینکه سابقاً خدمتشان محفوظ بماند و بتوانند کماکان از مقررات قانون استخدام کشوری استفاده کنند قرار شد حق التدریس شان را به دوازده تقسیم کنند و بر رتبه بیفزایند و بعنوان حق التعلیم اخذ نمایند برای اینکه هم ضرری بانها وارد نیامده باشد و هم دوازده ماهه بگیرند عنوان حقوق هم داشته باشد که دیگر اشکالی پیش نیاید اما راجع بناواقف مدرسه کرمان که فرمودید در نظر هست و نواقص آنجا را یادداشت کرده ام و اصلاح میشود راجع به کلاسهای اکابر که فرمودید چرا بسته شده است برای این است که وسایل کافی برای مراقبت و اجرای این منظور نداریم البته بسیار چیز خوبی است مدرسه اکابر ولی هنوز وسایل کافی برای اینکه مراقبت تمام در این موضوع بشود در دست نیست دیگر باقی میماند مسئله کتاب این موضوع را میتوانم عرض کنم که مربوط بقانون تجارت است جاهاییکه اشخاص وارد میکنند کهن نمیکند محتاج تصدیق صدور باشد و خیال میکنم فقط باید بدارت تجارت اطلاع بدهند که ما میخواهیم فلان کتاب را وارد کنیم این مال کتاب است. اما راجع بتجارت کتاب البته آن تصدیق صدور باید داشته باشد موضوع بیست و هفت تومان حقوق معلمین ابتدائی هم يك موضوعی است که دو سال قبل در قانون منم بودجه سابقه دارد و در کمیسیون بودجه مذاکره شده است که پیش از این بالفعل نمیتوان بمعلمین کلاس اول و دوم مدارس ابتدائی حقوق داد

دولت - آقای اورنگ.

اورنگ - عرض میکنم که این ماده سه سوسه به اعتقاد بنده موضوعی است که در وقتیکه برکرام دولت و همچنین وقتیکه بودجه کل مملکتی مطرح بود در مجلس شورای ملی از طرف آقایان و کلاه در این موضوع صحبتها می شد یعنی در برکرام دولت راجع به معارف ذکر می بود و همینطور هم

ممکن است يك وقتی واقع باشم ولی معین این است که واقع نباشم یعنی همین فاسدانی که در زمان حکومت و دولت اعلیحضرت همایونی شده است نه جانب تقریبش را بگیرم نه جانب افراطش را باین معنی که من هر مؤسسه را فرض میکنم تردیام این را پله پله و درجه درجه برایش قائل هستم و ترقی این را آنوقت مشاهده میکنم که مثلاً يك مؤسسه چند پله و چند رتبه طرف ترقی و تعالی را پیاده است و چند پله از اوج و عظمت و کمال لایق خودش را پیاده یا کسر دارد که آن مقدار اولی را در حق خودش تصدیق کنیم و این مقدارش را سعی کنیم تا داخل شویم به آن کمال و مقصود حقیقی مان از آن جاه معارف است بنده این اعتقاد را نسبت به معارف دارم که معارف به آن معنی که در ذهن همه است و تمام افراد مملکت به آن متوجه هستند این معارف نیست و معارف به کمال حقیقی خودش نرسیده و به ترقی واقعی خودش نرسیده در این جزء عمل شریک و رفیق رفقای خودم هستم ولی آنطور هم نیستیم که آن مقدار بیکه در معارف قدم بر داشته شده است آن مقدار را کمال بکن پندارم و اینطور اعتقاد داشته باشم که هیچ عملی برای ترقی معارف نشده بنده سعی دارم که حد معتدل و وسط را گرفته باشم با اطلاعیکه شخصاً بنده دارم و البته این اطلاع من را همه آقایان هم دارند منتها من غالباً اعداد را زود ضبط میکنم در هزار و سیصد و سه شمس مراجعه فرمائید به مدارکی که بنده عرض میکنم در سرتاسر مملکت ایران پنججاه و پنج هزار نفر محصل بود یکدانه از این عددی که بنده عرض می کنم زیاد تر نیست در صورتیکه اداره احصایه مملکت ایران تا این ساعتیکه بنده پشت تریبون ایستاده ام صورت اوراق و هویثی که بردم ایرانی داده است ده میلیون و چهار صد هزار است و حال آنکه در تمام خانه ها ( چنانچه در خانه خود بنده هم هست دیروز هم مراجعه کردم ) و در مملکت ایران آدمی که هنوز سجل نگرفته باشد خیلی

وجود است ( کازرونی - دهات ) و فرمایش آقای کازرونی در دهات و قراه و قصبیات خیلی زیاد است بالجمله این عددی است که تا این ساعت از طرف احصایه اوراق هویث با افراد ایرانی داده شده است عدد پنججاه و پنج هزار نسبتاً تقریباً و تخمیناً شش در هزار است یعنی در هزار و سیصد و سه شمس شش هزار و سیصد و سه نفر است این مملکت ایران مشغول تحصیل بوده اند در این ساعت که بنده در اینجا ایستاده ام عدد محصلین در سرتاسر ایران دوست و دو هزار نفر است این عدد نسبت به میلیون و چهار صد هزار نفر قبایس تقریباً نوزده نفر در هزار نفر است و در سرتاسر مملکت ایران در این ساعت که بنده عرض میکنم چهار هزار و دوست عدد مدرسه است از ابتدائی و متوسطه و عالی که از این چهار هزار و دوست مدرسه صد و هشتاد تاش را دولت بدست خودش در ظرف همین چند ساله ساخته است در این ساعتی که بنده اینجا ایستاده و حرف میزنم ده هزار و یکصد و شصت نفر معلم حقوق بگیر در سرتاسر ایران مشغولند در این موقع نمیتوانم از موقع استفاده نکرده باشم و میخواهم در اینجا بین الهالین عرض کنم اینها که مرتب حقوقشان را میگیرند این از حسن اداره آقای وزیر مالیه است که الان معلمین از پانزدهم برج به پانزدهم در آن پانزده روز منم برج در هر روزی که معلمین بخواهند میتوانند حقوقشانرا بگیرند بطوریکه در سی و یکم هر برجی معلم حقوق آن برج را گرفته است در صورتیکه همه آقایان بخاطر دارند و من یکسال را شاهد میگیرم بنده که در خدمت خود آقای رهنما رفته بودیم منزل وزراء و يك دسته متحصن دیدیم و قبل از رسیدن بانجا میدانستیم که اینها معلم هستند و برای گرفتن حقوقشان متحصن هستند و این از مساعی و حسن اداره شخص آقای وزیر مالیه است که من اینهمه طلب را عرض میکنم در بیست و نهم هر برجی حقوق ده هزار و صد و شصت نفر معلم در سرتاسر ایران پرداخته شده است ( عراقی - بتوجهات اعلیحضرت ) قبلاً در مقدمه عرض عرض شد این عدد



معالم بود که عرض کردم اما در ساعت حاضر عدله تحصیل  
که از طرف وزارت معارف بفرنگستان فرستاده شده است  
و نقد نفر است که ما شاگرد معین فرنگستان داریم و  
این عدله فقط عدله است که از طرف وزارت معارف  
فرستاده شده است و این سوای آن عدله است که از طرف  
وزارت جلیله جنگ و سایر وزارتخانهها در ایراک مشغول  
تحصیل هستند و مطابق تصدیق وزارت خارجه که با اداره  
سرپرستی ما که آقای علاء رئیس آن بوده اند داده از  
بهترین شاگرد های اجنبی معین خاك فرانس از حیث  
تحصیلات و سعی در تحصیل شاگردان ایرانی بوده اند  
(یکی از نمایندگان - این صحبتها خارج از موضوع است)  
تامل فرمائید آقایان بعد از بنده شریف بیاورید و بفرمائید  
**یکی از نمایندگان - این مطرح نیست**

که از اینجا بیرون میآیند و خدمت نظم وظیفه خودشانرا  
انجام میدهند و برای ما میآیند در مدارس متوسطه معالم  
میشوند این افراد را ما حد اقل حقوقشان را چهل و  
پنج تومان معین کردیم و حداکثر را شصت و هشت تومان  
بنده عرض میکنم با آن اشتها و آمال و آرزوی ما بشرقی  
و بسط معارف این حقوق لایق و قابل نیست آن معالمی  
که میآید در کلاس متوسطه و برای ما تدریس میکنند این  
حقوق برای او کافی نیست و آن بیانی را که آقای دشتی  
آروز فرمودند به اعتقاد بنده جایز امروز اینجا است و  
ما باید کوشش کنیم که حقوق معالم کافی و کامل بشود  
تا بتواند مخارج خودش را کاملاً تأمین کند و درس خوب  
بگوید مطلب دیگر اینست که دارد و آن این است که آن معالم  
دو ساعت باید در مدرسه درس بدهد و باقی اوقات هم حاضر باید  
باشد آنقدریکه مشغول تدریس است در مدرسه حتماً باید باشد  
این شك ندارد زیرا آن کسیکه باید تدریس کند البته باید  
در محل تدریس حاضر باشد غایبانه که نمی تواند  
تدریس کند آنقدری که تدریس ندارد می کار است  
خوب آن مقدار را برزی چه نوی مدرسه بنشیند روز  
دوازده ساعت است فرض فرمائید پنج ساعت شش ساعت  
در مدرسه تدریس دارد آنرا قبول دارم که در مدرسه  
باید باشد زمساعت بوقت مانده هم باید حاضر باشد  
اگر غایب شد جریمه هم باید بدهد ولی آنقدری که  
کار ندارد و جاهم ندارد (باید هم داشته باشد) این  
وقت را چرا باید در مدرسه قدم بزند یا اینکه فراولدرب  
اتفاق باشد و این حقوق را بنده برای معالم متوسطه  
مملکت با این شرایط که در باره او قائلیم بنده فوق العاده  
کم میدانم و موردی راهم که باید معرفت را تقویت کنیم  
همین مورد است. این یکی از اصول سه معارف است  
اصول سه عبارت است از مدرسه معلم کتاب به معالم  
مشله پنجم حفظ معلم در مدرسه از حیث بدن و اخلاق  
این اصول سه معارف است و معارف غیر از این شش  
جهت و شش مقدمه چیز دیگری نیست ما میخواهیم از  
معارف خیلی تجلیل کنیم و میخواهیم که در مملکت بسط  
یاد آید حالا وقت معارف است که گریبان ما را گرفته اند

که باید بودجه اش را تصویب کنید و تشکیلش را برای  
ما میخواهند بدهند حالا را ما بگذاریم و رأی بدهید  
و بعد باز پس فردا صحبت کنیم این را دقت فرمائید  
که چیز خوبی نیست دیگر چه عرض کنم.  
**وزیر مالیه -** در تمام فرمایشاتی که آقا فرمودند يك  
نتیجه و مطلبی روشن است که محتاج توضیح هم نبود  
و آنست معارف دوستی شخص ایشان بود که اهل معرفت  
و اهل علم و معارفند آقایان دیگر هم هستند و تمام  
آقایان بالاتفاق طرفدار معارفند ولی آقایانی هستند  
که بالخصوص توجه مفرط و زیدتری دارند و بنده هم  
يك جزئی اقتضای دارم که در جزو همین آقایان باشم  
(صحیح است) ما البته نخواسته ایم و نمیخواهیم يك  
کاری بکنیم که معالم از مقام یا حیثیت خودش باز حقوق  
مادیش با این باید بلکه باید بالا برود (صحیح است)  
و باید همه نوع وسایل و راحتی برایش فراهم شود  
ولی خود حس معارف دوستی با يك کسیکه فرضاً صنعت  
اقتصاد را در مملکت دوست دارد و میخواهد اقتصادیات  
در مملکت کامل و خوب شود يك کسی دوست دارد  
که امور خارجه مملکت خیلی آبرومند شود و اگر  
سفیر کالسکه چهار اسبه سوار شود میگوید اگر شش  
اسب باشد بهتر است این چیزها میزان معینی ندارد  
میزانش بیه و استطاعت مملکت و حد معمول دنیا است  
بواسطه زحمتی که مردم میکشند و جنس زحمتشان همیشه  
متناسب نیست با اجریشان بعضی اوقات بنده شنیدم میگفتند  
اتفاق می افتاده بحث می شده که ما يك سفارشی داریم در  
فلان مملکت يك مملکتی که بنده نمیخواهم اسمش  
را ببرم يك مملکت خیلی دور که لازم هم نبود ما در  
آنجا سفارتخانه داشته باشیم وقتی که بودجه اش می آمد  
میگفتم باین چرا پول میدهد این چه کار میکند هیچ  
کاری ندارد بکند آنجائی که هم مرکزش مهم است و  
خیلی کارش هم زیاد است و سفارش هم خیلی خیلی  
لایق است این در بودجه چه فرق میکند نمی شود گفت  
چون در آنجا سفیر ما کاری ندارد و کارش باقیستش  
تاسب و ارزش ندارد باید باو چیزی داد اگر اجرت  
مطابق ارزش باشد همه جاها را می شود منطبق کرد

مثلاً ما از آن چیزیکه خیلی زیاد لازم داریم مقدار  
تظیی هم لازم داریم افراد قنون افراد نظایه ما مورین  
نگراف زیادند عمایجات کارخانجات خیلی زیادند عدله  
کم نیست پنج نفر ده نفر که نیستند حالا بدان چیزها  
اگر بخواهیم يك قران بپرداز عمله اضافه کنیم پادفران  
به آن کسی که جاو کورده آهنگری کار میکند بدهیم  
الته عیبی ندارد خوب هم هست ولی جمش خیلی زیاد  
است بنابراین چون جماعت زیادی کارگر هستند که  
کار میکنند البته باید ناهدی هم مراعاتشان را کرد ولی  
اگر بنا باشد که بگویند این فوق العاده هم کم است البته  
باید سه چهار پنجهزار برابر داد و هیچ بودجه برای  
اینکار کافی نیست. ماجزی که در نظر داریم و باید این  
طور هم بشود این است که معلمین باید کمتر از طبقه  
مستخدمین حقوق نگیرند و اگر هم میسر بشود يك  
مراعاتهای بیشتری نسبت به آنها بکنیم چون کارشان کار  
دماغی است و معلم در مملکت کمک میکند باینکه اذهان  
و افکار را روشن کند و اولاً به آفاهم عرض میکنم که  
این قانون اساسی نیست این قانون یکسال است. ما این  
جا قانون نمیگذاریم که مفری معلم باید همیشه این  
قدر بماند این مثل بودجه معلمین است ولی معلمین هم  
درجات دارند لیاقت بیشتر و کمتر دارند و این باید دست  
آن کسی که تشخیص حقیقی کار با او است (که وزارت  
معارف است) گذاشته شود تا با موازینی که در دشتش  
است کسانی که ابراز لیاقت میکنند ساعات فوق العاده  
درس میدهند خدمات زیاد میکنند در امتحانات شرکت  
میکند حقوق آنها را رعایت کند اما يك چیز را هم باید  
عرض کنم این جا بنده می خواهم آقایان همه توجه  
فرمائید و کمک هم فرمائید ما يك گرفتاریهایی پیدا  
کردیم در این مملکت و بودجه مملکت و همین چیزی  
که آقایان موافقت که مستخدمین دولت در  
زحمت نباشند این از يك چیزی ناشی شده است  
یکی از معایب این تبعیض که برقرار شده این است  
که نمدانم چطور بوده است که در زمان سابق بسته به  
اختیار و قدره و نفوذ شخص وزیر بوده است که يك  
وزارت خانه را اداره میکرد اگر آن وزیر دارای قدرت و



فوق بود در آنجا مردم آن وزارت خانه مستخدمینشان کارشان بهتر میشد یعنی يك نفر اهالی میگفتند که مثلاً شب هم يك چیز فوق الاماده بگیرند، میگفتند مثلاً با ملاح مستخدم پرور بوده است کسی هم زورش پیش رسیده است اعتراض هم نمیکرده است يك وزارت خانه هم ضعیف بوده است یعنی آن وزیرش آدم محجوبی بوده است مستخدمینش هم در حدود قانون بوده اند حالا نتیجه این شده که همان چیزی که چند روز قبل فرمودید که مستخدمین باید چیز بکنند بنده میخواهم يك چیزی عرض بکنم یکی از فلاغه مطالبی نوشته است گفته است فقر یکی حقیقی است یکی نسبی فقر حقیقی است که انسان در مدارج دارائی پائین برود و يك حدی هست که از آنجا که گذشت هم شکمش گرسنه می شود و هم بدنش از سرما و گرما متأثر میشود این فقر حقیقی است این را دیگر نمیشود گفت دلیل و برهان و عذر هر چه بیاورند او متأذی است و قبول نمیکند ولی يك فقر دیگر هست که باین درجه نیست اما وقتی دیدیم همین که دیگری بالا رفت او گریه میکند فریاد میکند برای اینکه می بیند آن یکی دارد فقط برای همین است اگر هیچکس انو و بیل نداشت او دیگر راه نمیکرد ولی اگر تمام اعضاء مجلس انو بیل داشته باشند فقط آقای اورنگ نداشته باشند البته متأثر میشوند این مستخدمین رسمی قانونی که داریم بنده از وقتی که داخل کار شده ام این را دیدم ام که بعضی از وزارتخانه ها و مستخدمین همان حقوقی هم که قانون استخدام برایشان مقرر کرده است موقعی پیش می آید که همان هم نصیبشان نمیشود ولی در وزارتخانه های دیگر بهکس البته آهم منطبق داشته زیرا این حقوق کافی نیست و مخارج گران تر شده ولی اگر گران تر شده و کافی نیست تمام مستخدمین را باید رعایت کنند ما دبیرم در بودجه وزارت پست و تلگراف يك عبارتی بود راجع به امورین پرسیدیم این چیست گفتند این تفاوت خرج است و این عنوان يك چیزهایی میگرفتند

معلمین مدارس آنهاست که مستخدم رسمی بودند علاوه بر حقوق استخداهشان يك چیزی میگرفتند بنام حق التدریس و این برای معلمین صورت خوبی ندارد معنیش این است که اگر منزلش هم می نشست آن حقوقش را میگرفت با مثلاً در وزارت عدلیه بعضی ها حق الکفاله میگرفتند در وزارت خارجه چون وزارت خارجه بود استی اندامینت بود چنانی که نمیکرفت وزارت داخله و وزارت مالیه بود اینها همیشه شکایت داشتند و اینها که بنده اینجا بیان کردم قدم این نیست که آن چیزی که در وزارت معارف میگرفتند بعنوان حق التدریس زودشان بود یا همینطور ما مورین وزارت خارجه ولی مقصود این است که باید يك تواخت شوند بنده از روز اول در این باب سعی داشتم که کاری شود که اگر اینها را پائین بیاورند آن دیگری را هم بالا برند حالا اینها تبعیضاتی است که برخلاف روح قانون پیش آمده است و باید از میان برود ولی در همان حال باید توجه کرد که به ما هم سده نخورد و ما این منظور را با موافقت وزارت معارف حل کردیم بنده گفت که اصلاً موقوف و مستخدم رسمی نمیتواند حقوق رتبه اش را هم بگیرد و باید پسا این بیاید خیر از آن چیزی که میگردد نخواستیم پائین بیاید و از حقوقش کسر شود ولی برای این است که در آئیه بتدریج يك کادری از معلمین بوجود آید این مثل قانون استخدام معلمین است در واقع يك سرتاب علمی و فنی رعایت شده است مثل مستخدمین رسمی اما اینکه فرمودند که در غیر ساعات در مدرسه نباشد و ممکن است برود در خانه اش کتاب بنویسد یا برود در کتابخانه بی میتواند برود مانعی ندارد ولی در غیر ساعات دیده شد که معلمی که کنترات میشود در مدرسه بعد از آنکه درس میدهد دو ساعت با سه ساعت که درس داد اگر يك جائی دیگر رجوع کنند يك کاری در مدرسه دیگر نمیرود و ما هم که نمیتوانیم او را در کنترات بکنیم و يك حقوق دیگری هم باورده ایم این درست نیست باید اینها هم مثل مستخدمین دیگر مملکت باشند برای اینکه مستخدمین مملکت

باید خدمت به مملکت کنند و این اگر مستخدم است باید حاضر خدمت باشد و اگر خدمتی رجوع بشود نباید برای هر کدام از آنها يك حقوق دیگری بگیرد و این مسئله هم منکر ندارد بنده میخواهم که همیشه آفتابان اینرا هم ملاحظه فرمایند و باین مطلب توجه داشته باشند گاهی همه می بینیم يك کسی میباید بگوید که خوب مستخدمین تلگراف باید يك مساعدتی کرد میگفتیم اقا چرا بجهه مستخدمین باید رعایت و مساعدت کرد میگفتند که خیر اقا اینها باید سرب تا صیح تلگراف بزنند و کار بکنند اینها کارشان فنی است اینها را با سایر مستخدمین نمیشود مقایسه کرد با یکی میگفت مستخدمین سجل احوال را باید مساعدت مخصوص کرد میگفتند چرا میگفت اقا شما میخواهید مستخدمین سجل احوال را با دیگران مقایسه کنید اینها کارشان زیاد است (خنده نمایندگان) باید ولادت را بنویسند وفات را بنویسند خیلی خوب یا میگفتند که مثلاً آژان خدمتش زیاد است صبح تا شام باید جلوی باران و برف بایستد این را هم که نمیشود مقایسه کرد البته همه شان هم زحمت میکنند و بعضی هایشان هم هستند که زحمتشان بیشتر است قبول داریم اما مملکت هم يك قانونی برای کسانی که کار میکنند دارد و تیه بعضی نباید بشود هر کس بقدر قوه اش کار میکند و زحمت میکند در يك اداره دو نفر کار چهار نفر را میکنند تکلیف وزیر یا معاون این است که آن دو نفر دیگر را خارج کند و در وقتش ازاد پیدا کنند و آن دو نفر هر چه در قوه شان است کار کنند ولی حقوق کافی بدهند و این را هم ما برای این منظور درست کردیم و اگر آفتابان درست توجه فرمایند این برای خود معلمین هم موافقت و مراقبت دارد (اولا اینها مستخدم رسمی شان زیاد نیست) و سابقه خدمتشان هم خیلی وارد نمی آید حقوقشان هم محفوظ است اینها يك حق التدریسی میگرفتند و در این مسئله حق التدریس از اول سال تا آخر سال وزارت مالیه با معارف اشکال داشت مخصوصاً در تابستان کم میشد حقشان باوجودی که حالا تابستان هم حقوقشان کم نمیشود حق تعلیم حق معلم است و معلم هم مثل

طبقه دیگر مستخدمین مملکت است که با حقوق میدهند و در هیچ موقعی هم نباید فرو گذاری شود و حق او باطل شود باطل هم نمیشود و اگر ملاحظه شد که واقعا و حقا يك جائی بحق آنها اجحافی شده است بنده يك قانون جدید میآورم و حق آنها را کامل میکنم و در آخر کار يك نکته کوچک نسبت بخود نا قابل میخواهم عرض کنم: بنده شخصا رویه ام این است شاید اغلب نمایندگان محترم بدانند دوست ندارم که کسی کلمه بگوید که مثلاً بنده فلان کار را کرده ام خصوصا این نکته يك بر هزار با يك بر میلیون بنده را متأثر میکند وقتی که اسم ناقابل بنده را در مقابل شخصی که تمام امور مملکت از او است (صحیح است) برده شود بنده میل ندارم که گفته شود و بنده این را بطور مبالغه و اغراق نمیگویم یکی میگوید شما فلان کار را کردید مثلاً صبح زود رفتید اداره دیگری میگوید این از رئیس مملکت است البته همه ماها که صبح زود اول وقت میروم اداره از رئیس کل مملکت است البته این مطلب نباید محتاج بتوضیح باشد یکی از بدترین امور که همیشه باید در نظر اهل مملکت باشد اینست که تمام این کارها از شخص اول مملکت است بنابر این نه اقتضا دارد که بگویند فلان آدم بکمر آفتی در کار خودش کرده است که وظیفه اش هست و وقتی هم که گفته میشود و دیگر هم نباید قیاس شود با يك چیزی که هیچ قابل قیاس نیست (صحیح است - احسنت)

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
**احتشامزاده** - کافی نیست بنده مخالفم  
**رئیس** - فرمایید  
**احتشامزاده** - بموجب این ماده يك حد اقل و اکثری برای حقوق معلمین تعیین شده است که به عقیده بنده یا اهمیتی که مقام معلم در جامعه دارد هیچ مقضی نیست که باندازه کنتراتیهای سایر وزارتخانه ها و ادارات برایشان حد اقل و اکثر حقوق قائل شوند با اینکه زحمت معلم زیاد تر است ما اینجا بیستایم و برای معلم مثل سایرین حد اقل و اکثر همین کنیم به عقیده بنده



با سوابقی که معلمین دارند از حیث پیدا کردن معلومات و اطلاعات علمی که البته طرف مقابله با سایرین نمیتواند باشد و باز حتمی که شغل معلمی دارد هیچ عدالت و انصاف اجازه نمیدهد که بگوئیم اگر يك متخصص پیدا شد غیر معلم حداکثر حقوق او مبلغ قاحش باشد و هر اندازه که دولت مقتضی میدانند باو حقوق بدهد اما اگر يك معلمی پیدا کردیم که برای مدارس متوسطه از احتیاج داشتیم اگر رقیب از خارج معلم آوردیم هر مقدار از حقوق بخواهیم بدهیم باو اما اگر يك ایرانی پیدا شد قابل و لایق بود و خواست این کار را بکند و دارای معلومات و اطلاعات بود و حاضر شد معلمی کند آنوقت باو بگوئیم حداکثر حقوق تو اینقدر است و حد اقل اینقدر؟ بعقیده بنده هیچ مقتضی نیست و تقاضا میکنم آقای وزیر مالیه در این قسمت توجهی فرماید لافل بسمت کنتراتی معلمین وزارت معارف حقوق کافی داده شود زیرا اغلب اشخاص کاری هستند و وجودشان مفتم است و باید حداکثر را برای آنها قائل شد و اجازه ندهند که اگر يك معلم خوبی پیدا شد و شایسته بود که برای کلاسهای عالی و متوسطه معلم باشد محدود نکنند بلکه بقدری که معلومات او مقتضی است باو حقوق بدهند که لااقل از این جهتی هم که آقا فرمودند که بین وزارتخانه ها نباید تبعیض شود و همه بگروه و یکسان باشند این نظر نامین شده باشد بنده عرض میکنم چه ضرورتی دارد که در قسمت کنترات سایر مستخدمین خارجی این حد نباشد ولی در معلمی این حد اکثر باشد که کنترات آنها را محدود کند.

**مخیر که بیون بودجه (دکتر طاهری) - اولاد در**

قوانین سابق هم خیال میکنم در کمیون بودجه هم که خود آقا تشریف داشتند ما همین کردیم در وزارت معارف برای ابتدائیا حداقل ابتدائی را نتوانستیم معین کنیم قسمت متوسطه را معین کردیم و اینکه بفرمایند هر کس که معلم شد رعایتش واجب است این حدودش معین است آن آدم فاضل دانشمندی را که به آن اشاره فرمودید

او می رود در مدرسه عالی و حقوق بیشتری خواهد گرفت که مثل هم ندارد اما اینکه بعضی از متخصصین با يك شخصی را که از خارج باید بیاورند و مجبور هستند بیاورند وقتی که عده زیاد شد مثلاً فرضاً ترجمی میخواهند بیاورند مترجم فرانسه البته يك حدی باو حقوق میدهم اگر زبان فرانسه را کسی دیگری نمیتوانست تعلیم بدهد و در مملکت و يك مترجم بود البته خیلی کران تمام می شد و مجبور بودند بهر قیمتی که بود بیاورند ولی ما باید پیش از اینها معلم تربیت کنیم و آنها هم باید صرفاً برای مال تدریس نکنند و بقدری که امورشان بگذرد حقوق بگیرند زیرا باید استطاعت بودجه را هم ملاحظه کرد از کجا باید حقوق زیاد داد و بالاخره این يك چیزی است که فعلاً موجود است و خودشان هم شکایتی ندارند و این حق التدریس و حق التعلیم را در تابستان بهشان نمیدادند حالا سه ماه تابستانشان را هم بهشان میدهند و این مذهبی خدمت و رعایتی است که درباره آنها شده و حق التدریس هم حالا قانونی دارد بهر حال این جای هیچ اشکال و تکرانی نیست چه علاوه باید پایه استخدام معلمین هم زوی يك اساسی باشد و باین ترتیب خودشان هم راضی هستند (بعضی از نمایندگان - کافی است. رأی رأی) (طباطبائی دیا - کافی نیست)

**رئیس -** بکنفر صحبت کرد و با کفایت مذاکرات هم مخالفت کرد آقایان بیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس -** معلوم میشود کافی است. پیشنهادی آقای

اعتبار کرده اند

پیشنهاد آقای اعتبار

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۳ جمله ذیل اضافه شود: و کسور تقاعد از آنها مطابق حقوق رتبه عسوب میشود. **رئیس -** آقای اعتبار **اعتبار -** مستخدمینی که رتبه دارند و آنها را برای معلمی استخدام میکنند مطابق این مثل باها حقوق میدهند و البته از حقوق رتبه شان بیشتر است بنابراین بنده پیشنهاد

کردم که کسور تقاعدشان مطابق رتبه است که میتواند داشته باشند

**وزیر مالیه -** همینطور هم هست منظورشان حاصل است و در قانون تامین شده است

**مخیر -** لی نامین شده است

**رئیس -** پیشنهاد آقای دکتر ملک زاده

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده ۳۳ اضافه شود:

تبصره - معلمین سیکل اول متوسطه در صورتی میتوانند از حقوق مدرجه در ماده ۳۳ استفاده نمایند که دارای تصدیق از مدرسه دار المعلمین عالی یا یکی از مدارس عالی باشند

**دکتر ملک زاده -** این جا در اطراف حقوق معلمین

مدارس متوسطه خیالی صحبت شد بعضی آقایان عقیده داشتند که حقوقشان کم است بعضی ها هم عقیده داشتند که زیاد است ولی بالاخره هیچیک از آقایان تعیین نکردند که کسانی که نازل بدرجه اول میکردند باید تحصیلات سیکل اول متوسطه را داشته باشند زیرا بطریق اولی باید يك معلمی که این اشخاص در خدمت آنها باید تربیت شوند و آن معلمین در کلاسهای آخر مدارس متوسطه یعنی ایسه تدریس می کنند باید بعقیده بنده يك قدری معلوم شود که آن تربی ها دارای چه درجه معلوماتی خواهند بود يك قانون استخدام کشوری داریم که در آنجا امتیاز فضلی قائل شده ایم که اشخاصی که داخل خدمت دولت می شوند در صورتی نایل بدرجه اول میگردند که دارای تحصیلات سیکل اول متوسطه باشند بنده و همینطور بسیاری از آقایان نمایندگان مجلس مدعی است بدولت و وزارت معارف تذکر داده ایم که خوب است يك قانون استخدامی هم از برای معلمین تهیه و بمجلس آورده شود که هم تکلیف آنها معلوم شود و هم درجه معلوماتشان زیرا بعقیده بنده باید معلوم گردد که این ها را دارای چه درجه از معلومات علمی خواهند بود که از این حقوق با حقوق بیشتری میتوانند استفاده کنند و این را بنده حاضرم که ثابت کنم و کسی هم مقصر نیست يك وسالی و

وساطتی اشخاصی آمده اند و در يك مدرسه سنی پیدا کرده اند و کم کم هم همان وساطت را بکار برده اند و آمده اند معلم مدرسه متوسطه شده اند و حالا هم در سیکل دوم متوسطه تدریس میکنند در صورتی که معلوم نیست که این آقا تحصیلاتش در کجا بوده است باستانی اشخاصی که ادبیات یا فلسفه قدیم در مدارس ما تدریس میکنند و از علمای قدیمند که دارای معلومات مخصوص مطابق سبک مقلی هستند سایر معلمینی که باید طبیعتاً با اینها تدریس کنند معلمینی که در سایر شعب تدریس میکنند باید خودشان دارای يك معلوماتی باشند و باید معلوم شود که اینها در کجا تحصیل کرده اند و دارای چه مرتبه از مقامات علمی می باشند که حالا آمده اند در مدارس ما و ست معلمی پیدا کرده اند و تمام افراد ما باید اینها بهره مند شوند و استفاده علمی بکنند این است که بنده عقیده دارم اگر موافقت فرمائید جای این ماده که بقیه دارم تا این اندازه اش هم خیلی خوب بوده است که بالاخره يك پایه از برای استخدام معلمین از قسط نظر حقوقشان برای آنها در نظر گرفته شده است اگر ممکن شود از این ماده صرف نظر شود و وزارت معارف در صدر باید که حقیقاً يك قانونی از برای استخدام معلمین تهیه کند و بمجلس بیاورد فوق العاده بالغ است و بسیاری از محظوراتی که امروز بین وزارت مالیه و معارف وجود دارد و همیشه دچارند از میان برود مثلاً اینکه عرض میکنم که معلمین با عملیات ماخلی بی-واد هستند این است که الآن چندین سال است که وزارت معارف ما بازحمت زیادی موفق شده است که يك دارالمعلماتی تأسیس کرده يك نفر فرانسوی چندین سال بود پایلغ کراف در رأس این مدرسه قرار گرفته يك عده محصلان هم تحصیلاتشان را در آنجا تمام کرده اند و از مدرسه بیرون آمده اند آنوقت در این مدارس دخترانه يك عده بیرون بی-واد که نمیتوانم دارای هیچ گونه از معلومات نیستند در این مدارس اینها دارند تدریس می کنند مگر بنده خودم توضیح دادم و اظهار کردم که آقا شما که این جا مدرسه درست کرده اید و این اشخاص عمرشان را تلف میکنند چرا شاگردان مدرسه دارالمعلمات را نمیبرید بجای این



پیر زهای بیسواد بگذارید این است که بنده پیشنهاد کردم که اشخاص وقتی میتوانند در مدارس متوسطه از این حقوقی که منظور شده است استفاده کنند که لا اقل حالا (نویسندگان مدارس عالی را دیده باشد) خیر آنها نیکه در مدارس متوسطه تدریس میکنند لا اقل خود مدرسه متوسطه را دیده باشند (زات نابالغه ارهستی بخش - کی تواند که شود هستی بخش) کسی که خودش مدرسه متوسطه را ندیده چطور میتواند در مدرسه متوسطه تدریس کند دارالمعلمین عالی هم که در طهران هست برای قسمتهای بالا لا اقل یک فاکولته را تمام کرده باشد یک مدرسه عالی را دیده باشد ایسانسبه در حقوق باشد مدرسه طب را دیده باشد مدرسه مهندسی را دیده باشد برای اینکه حساب با هندسه بتواند تدریس کند لا اقل دارای یک مراتب علمی باشد که شاگرد های با که پیش آنها درس میخواهند بتواند استفاده کنند یک قسمت های دیگری را هم بنده یاد داشت کرده ام لکن چون حالا وقت گذشته است خود داری میکنم و خواهش میکنم این قسمتها را که عرض کردم آقای معاون وزارت معارف توضیح بدهند.

**معاون وزارت معارف** - الان در مدارس این طور است که در سیکل اول متوسطه غالباً معلمینی که تدریس میکنند سیکل اول و دوم متوسطه را دارا هستند جز فارسی و عربی که فعلاً معلمانشان خیلی بیشتر از اینها است که آنها فرمودند (صحیح است) و بنا بر این اگر اینطور که آقای میفرمایند بخواهیم اجرا کنیم باید مدارس را ببندیم

چون دارالمعلمین عالی تازه تاسیس شده است فقط دو دوره شاگرد بیرون داده است البته بتدریج این پیشنهاد عملی خواهد شد ولی بالفعل عمل نیست و این را هم بایستی عرض کنم که اگر معامی در کلاس وارد شود و معارفات شاگرد بیشتر از آن معلم باشد همان شاگردها معلم را بیرون میکنند و مدرسه را زیرورو میکنند اینطور نیست آقای

**رئیس** - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عدت قلیلی برخاستند) قابل توجه است

**۴- موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه**

**رئیس** - جماعتی از آقایان تقاضای ختم جلسه کرده اند و جماعت دیگری از آقایان اجازه نطق خواسته اند و همینطور چندین پیشنهاد روی میز بنده است و راجع بماده ۳۳ که هر قدر هم تقابیل بکنیم در فطاق ناطق و دفاع مدافع باز یک ساعت یکساعت و نیم طول میکشد و از طرفی هم آقای وزیر مالیه دائماً مرا متذکر میکنند که بقانون مهم بودجه احتیاج مبرم است و بسیاری از امور مهمه دیگر هم بحال تعلیق است که باید آنها هم بگذرد و آن کارها هم تمام شود ولی بنده به آقای وزیر مالیه وعده مطمئنی میدهم که صبح سه شنبه این کار تمام شود و پس از آنهم لایحه نطق را قرار میدهم علی ای حال جلسه را ختم میکنیم - جلسه آینده سه شنبه پس فردا سه ساعت قبل از ظهر (مجلس یوم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

**رئیس مجلس شورای ملی** - دادگر

## تصمیم

قانونی راجع به تعقیب جزائی آقای حاج میرزا حبیب الله امین

مجلس شورای ملی اجازه میدهد که آقای حاج میرزا حبیب الله امین را دولت مورد تعقیب جزائی فرار داده و نتیجه را باستحضار مجلس برساند.

تصمیم فوق در جلسه سی و یکم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و دوازدهم - بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

**رئیس مجلس شورای ملی** - دادگر